

ایرج افشار: دانشمندی متمایز

سید سعید میر محمد صادق*



فرهنگ و تاریخ ایران، همچون فهرست مقالات فارسی (در ۸ جلد)، کتاب جهان ایران شناسی، کتاب شناسی فردوسی، کتاب شناسی دستور زبان فارسی، کتاب شناسی مطبوعات فارسی و...
- تهیه پرسش نامه برای فهرست نویسی اسناد تاریخی.

ب. ایرانشناسی:

- توجه به مراکز ایران شناسی در سایر کشورها و شناساندن کارهای پژوهشی آنان.
- حضور مؤثر و مستمر در همایش ها و نشست های تخصصی ایران شناسی و شرق شناسی در دنیا و ارائه سخنرانی.
- معرفی ناشران و کتابفروشی هایی که در خارج از ایران در معرفی آثار و فرهنگ ایران اهتمام داشته اند.
- توجه به زندگی کاری ایران شناسان و پژوهشگران ایرانی و خارجی و معرفی آنان و آثار پژوهشی شان به بهانه فوت و یا چاپ آثار ایشان.
- اهتمام به چاپ مقالات گوناگون در حوزه ایران شناسی از پژوهشگران داخلی و خارجی در *نامواره دکتر محمود افشار یزدی* که بعدها به *پژوهش های ایران شناسی* تغییر نام داد.
- سفر و پژوهش های میدانی بر اساس اسناد و مدارک تاریخی و مستندسازی آن و ارائه گزارش های سفر به علاقه مندان.
- شناسایی نخبگان و پژوهشگران شهرستانی که در شهرها و استان های ایران به دبیری آموزش و پرورش و کارهای اجرایی مشغول بودند و بستر سازی برای معرفی آنان با چاپ پژوهش های ایشان در مجلات تحت مدیریت ایشان و مراکز نشر؛ با بسیاری از این پژوهشگران گمنام می توان در کتاب *گلگشت در ایران* (مجموعه سفرنامه های استاد ایرج افشار) آشنا شد.
- برگزاری هفت دوره کنگره تحقیقات ایرانی در مقام دبیر دائمی آن و پرهیز از سیاسی کاری و کارهای نمایشی که این موضوع را از شیوه برگزاری و این همایش هاو نحوه انتشار مجموعه مقالات آنها به خوبی می توان درک کرد.

نگارنده این سطور، که اکنون چهارمین دهه زندگی خود را آغاز کرده است، از زمانی که وارد عرصه پژوهش شده است، قریب دو دهه می گذرد. در طی این ایام با نام آوران بسیاری در رشته های گوناگون فرهنگ، زبان، ادب و تاریخ ایران و اسلام آشنا شده و شاگردی مکتب بسیاری از آنان را نموده است. به نظر همگی بحری زخار و بیشترین آنان دانشمندان جامع الاطراف و پژوهشگرانی چنددانشی بودند؛ اما استاد ایرج افشار را با کارهای پژوهشی و علمی که انجام داده بود از دیگران متمایز دیدم. کارهایی که دیگر محققان پیش از او، هم نسلان او و پس از او، یا انجام نداده اند یا کمترین توجه را به این موضوع داشته اند و اگر هم انجام داده اند، یا به گستردگی کارهای پژوهشی وی نبوده است و یا روش خود را به ویژه در حوزه های اطلاع رسانی بر مبنای کارهای استاد قرار داده اند. استاد ایرج افشار، همچون دیگر پژوهشگران عصر خود، پژوهش می کرد و شاید در برخی حوزه ها همچون زبان های باستانی، باستان شناسی، فلسفه، فقه و... آگاهی های اندکی داشت، اما در این رشته ها زمینه ساز پرورش افراد و نشر کتاب ها و حمایت از مؤسسات پژوهشی مرتبط با آنان شد؛ شاید شما خواننده محترم نیز علاقه مند باشید که بدانید چرا استاد ایرج افشار از دیگر اساتید متمایز بود؛ پس از شما می خواهم، کارهای درخشان استاد را از ابتدای دهه ۱۳۲۰ تا انتهای دهه ۱۳۸۰ خورشیدی مرور کنید.

الف. کتاب شناسی و فهرست نگاری:

- اهتمام در فهرست نویسی نسخ خطی کتابخانه های مرجع، همچون ملی، دانشگاه تهران، مجلس، ملک... و اهتمام در شناسایی نسخ خطی و پیگیری فهرست نگاری نسخ خطی کتابخانه های شخصی و تهیه پرسش نامه ای مرتبط برای همه علاقه مندان به این موضوع که برخی از آنها در مجموعه نشریه نسخه های خطی به چاپ رسیده است.
- پیشگامی در پژوهش های حوزه کتاب شناسی مرتبط با

*پژوهشگر و مصحح



ج. پژوهش‌های نو:

- شناسایی، پژوهش و تصحیح کتاب‌ها و رساله‌هایی در حوزه‌های مردم‌شناسی و فرهنگ عامه - که از منابع مهم به شمار می‌آیند همچون جواهرنامه‌ها، جانورنامه‌ها، کتاب‌هایی در زمینه داستان‌های عامیانه، آشپزی، تعبیر خواب، سیاق نویسی و... که کمتر مورد توجه سایر پژوهشگران قرار گرفته است.

- اهتمام ویژه به موضوع نسخه‌شناسی و پژوهش درباره موضوعات مرتبط با آن از جمله کاغذ، جلد، صحافی و...
- توجه به اسناد تاریخی و اهتمام در معرفی و چاپ آنها، هم به صورت موضوعی درباره یک رویداد و یا یک فرد و یا به صورت متفرقه از انسان‌های گمنام؛ چه یک برگ سند باشد، چه اسنادی که به صورت مجموعه نگهداری می‌شود.

- تقید به بهره‌گیری از واژگان فارسی و اهمیت دادن به اصالت نام شهرها و روستاها و امتناع از استفاده واژگان خارجی و یا ترکیب واژگان فارسی و خارجی در سطح شهر و سردر فروشگاه‌ها، که گهگاه استاد در پاره‌ها و نکته‌ها - که در نشریه بخارا/ چاپ می‌شد - به نقد آن می‌پرداخت؛ استاد ایرج افشار هر گاه می‌دید یا می‌شنید که نام شهری تغییر کرده، در همان پاره‌ها و نکته‌ها به آن حساسیت نشان می‌داد و عواقب فرهنگی و تاریخی این تغییرات را به مدیران اجرایی و فرهنگی گوشزد می‌کرد؛ همچون مطلبی که درباره تغییر نام «ده‌بید» به «صفاشهر» نوشت.

د. گزارش نویسی‌ها و چاپ نامه‌های بزرگان و مشاهیر

- گزارش نویسی‌های مختصر درباره موضوعات گوناگون فرهنگ، تاریخ، هنر و ادب ایران زمین که به صورت پیاپی در نشریه بخارا/ به چاپ رسیده است. استاد با این روش آخرین اخبار حوزه ایران‌شناسی و نیز برخی از آخرین یافته‌های پژوهشی خود و یا نکات مهم برگرفته از متون کهن و اسناد تاریخی را به خوانندگان علاقه‌مند خود ارائه می‌کرد. این روش استاد باعث شد تا برخی آن را الگو قرار داده، در حوزه‌های تخصصی‌تر به همان شیوه گزارش‌هایی را به چاپ برسانند.

- چاپ گزارش کامل از همایش‌های ایران‌شناسی و شرق‌شناسی و پیشینه آن.

- پیشگامی در گردآوری، شناسایی و چاپ عکس‌های تاریخی، هم به صورت پراکنده در مجلات و هم به صورت کتاب مستقل.

- اهتمام در نگارش خاطرات شخصی از سال‌ها خدمات اداری و آموزشی‌اش و چاپ گاه‌به‌گاه و موضوعی آن (از مجموعه: *بین‌دفتربی‌معنی*) که در حوزه تاریخ شفاهی معاصر به‌ویژه تاریخ فرهنگی ابتدای دهه ۱۳۳۰ تا اواخر دهه ۱۳۸۰ خورشیدی، مهم و ارزشمند است و چه بسیار از موضوعات مهمی را می‌توان از میان این خاطرات مدون کرد؛ از جمله ساخت کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (تهیه بودجه، تجهیز کتابخانه، انتقال نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها دانشکده‌های ادبیات، الهیات و معارف اسلامی و حقوق و علوم سیاسی به کتابخانه مرکزی، و جین کردن کتاب‌ها در اواسط دهه ۱۳۷۰ خورشیدی و ...).

- چاپ نامه‌های دانشمندان ایرانی و محققان ایران‌شناس خارجی که با او مکاتبه کرده بودند.

- چاپ آثار، نامه‌ها، اسناد تاریخی، یادداشت‌های فرهنگی، تاریخی و سیاسی، که پدیدآورندگان و یا بازماندگان آنان وصیت کرده بودند که در اختیار استاد قرار گیرد؛ همچون نامه‌ها و نوشته‌های دکتر محمد مصدق، سید حسن تقی‌زاده، علی‌اکبر دهخدا، خاندان غفاری، سید محمدعلی جمال‌زاده و ...

ه. سردبیری نشریات تخصصی و دبیری مجموعه‌ها

- سردبیری مجله سخن؛ مجله‌ای در حوزه فرهنگ ایران و زبان و ادب فارسی.

- سردبیری مجله راهنمای کتاب؛ مجله تخصصی در حوزه نقد کتاب.

- سردبیری مجله کتابداری، مجله تخصصی در حوزه کتابداری.

- سردبیری مجله آینده؛ مجله تخصصی در حوزه ایران‌شناسی و زبان و ادب فارسی.

- سردبیری مجله نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ مجله تخصصی در حوزه فهرست‌نویسی.

- سردبیری فرهنگ ایران زمین؛ مجله تخصصی در معرفی متون کهن و چاپ برخی رسائل در حوزه تمدن و فرهنگ ایران زمین.

و تشویق آنان بخش دیگری از سجایای اخلاقی و علمی استاد بود و نیز حساسیت استاد نسبت به پاسداری از میراث گذشته به حدی بود که گروهی از علاقمندان به موارث فرهنگی ایران را تشویق به سرمایه‌گذاری در چاپ آثاری که هزینه زیادی دربرداشت نمود و از این طریق آثار مهمی از متون کهن و مهم ادب فارسی را به صورت نسخه‌برداری به چاپ رساند. حال اگر مجموعه این فعالیت‌ها را در کنار بسیاری از آثار ایشان شامل نگارش مقالات، تألیف کتاب‌ها و تصحیح آثار مهم زبان و ادب فارسی و تاریخ ایران و اسلام قرار دهیم، به خوبی متوجه خواهیم شد چرا زنده یاد استاد ایرج افشار متمایز از بسیاری از ادبا، مورخان، پژوهشگران، کتاب‌شناسان و ایران‌شناسان پیش از خود، هم‌عصران و نیز به‌جرات می‌توان گفت آیندگان است و حقیقتاً وی مصداق مثل معروف «واحد کالاف»، یکی همچون هزار است. نام استاد ایرج افشار همواره بر آسمان ایران‌شناسی خواهد درخشید.



همه آموختند از او و من هم

مهدی نوریان*



فروزانفر، جلال همایی (که به سبب بازنشسته‌بودن بسیار کم در آنجا ظاهر می‌شد)، مجتبی مینوی، دکتر علی اکبر سیاسی، دکتر غلامحسین صدیقی، دکتر یحیی مهدوی، دکتر لطفعلی صورتگر، دکتر پرویز خانلری، دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر حسین خطیبی، عبدالحمید بدیع‌الزمانی، دکتر ماهیار نوایی، مدرس رضوی و بسیاری دیگر از استادان نسل اول و دوم و سوم دانشکده ادبیات، دلبران او بودند. مترصد بود تا یکی از آنان در

اهتمام به چاپ چهار مجلد دفتر تاریخ. - دبیری مجموعه کتاب‌ها شامل سفرنامه‌ها، خاطرات و اسناد در مراکز نشر، از خصوصی و دولتی. - توجه ویژه به چاپ نسخه‌برداری متن‌های مهم زبان و ادب فارسی و بازچاپ برخی تحقیقات مستشرقان که درباره فرهنگ و تاریخ ایران از اهمیت زیادی برخوردار بود. موارد فوق همگی حاکی از روحیه ایران‌دوستی استاد ایرج افشار است که با مرور کارهای وی به خوبی متوجه خواهیم شد که بسیاری از سازمان‌ها با بهره‌گیری از نیروی انسانی، بودجه سالانه و نیز ساختمان‌های عریض و طویل و تجهیزات مدرن اداری، از گذشته دور تا کنون در مقایسه با کارهای اجرایی و فرهنگی استاد ایرج افشار، آن‌گونه که باید مؤثر باشند نبودند و آنچنان که استاد نسبت به تغییر نام‌ها، تخریب مدارک و مجموعه‌های فرهنگی حساسیت نشان می‌داد آنها بی تفاوت بودند. توجه استاد به پژوهشگران جوان و هم‌فکری و مشاوره



هنگامی که در اندیشه نوشتن مطلبی برای درج در گزارش میراث برای گرامی‌داشتن یاد استاد بزرگ کتابشناسی ایران روان‌شاد ایرج افشار بودم، به مناسبت روز سعدی همه فکرم سرشار از آثار شیخ اجل بود و این ابیات او در ذهنم دور می‌زد:

رفیق مهربان و یار همدم

همه‌کس دوست می‌دارند و من هم

نظر با نیکوان رسمی است معهود

نه این بدعت من آوردم به عالم

به یاد دانشجوی ۱۹-۲۰ ساله‌ای افتادم که تشنه آموختن بود. با شوقی پایان‌ناپذیر در راهروهای طبقات مختلف دانشکده ادبیات دانشگاه تهران راه می‌رفت و به شخصیت‌های نامدار علم و ادب که از هر طرف در آنجا رفت‌وآمد می‌کردند و از مدتها پیش از آن از طریق کتاب‌ها و مجلات با نام و آثارشان آشنا شده بود به دیده اعجاب و احترام می‌نگریست. بدیع‌الزمان

* استاد دانشگاه اصفهان

